

مرگ و مالیات

نویسنده: Steve Adams

مترجم: حمیرا گلیان

عضو انجمن حسابداران خیره ایران

انگلستان جزء آخرین کشورهایی بود که جهت منع استعمال دخانیات در اماکن عمومی قانون وضع کرد
روشن است که این قانون جهت توسعه و رشد سلامتی تدوین شده است ولی به راستی،
عواقب اقتصادی منع استعمال دخانیات چیست؟

نگرانی دولت‌ها از این بابت، به دلیل چگونگی و تنظیم قوانین و نظام مالیاتی در کشور می‌باشد. از آنجایی که تنباکو اعتیادآور و تقاضا برای آن مرتباً در حال افزایش است، ابتدا به این موضوع بسیار ساده نگرسته می‌شد، در حالی که طبق بررسی‌های انجام شده، تنباکو به علت خاصیت اعتیادی آن، یک منبع درآمدی می‌باشد که مرتب روبه افزایش است.

تحقیقات نشان می‌دهد که نرخ تقاضا برای تنباکو بین ۰/۳ تا ۰/۶ متغیر است و به همین دلیل، دخانیات به علت عدم کاهش مصرف‌کننده، یک صنعت پرفایده از منظر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم محسوب می‌شود.

هم چنین به دلیل این که تنباکو یکی از واردات کشورهای غربی است مسائل اداری مالیاتی آن خیلی سهل و آسان بوده و یکی از منابع مهم درآمدهای عمومی به حساب می‌آید. در سال ۲۰۰۳ درآمد مالیاتی حاصل از محصولات تنباکو در انگلستان، افزون بر ۸ میلیارد پوند در سال بوده است.

اما در سال‌های دهه ۱۹۸۰، دولت‌ها شروع به اقداماتی نظیر بالابردن ضریب افزایش سلامتی و آلودگی‌های جهانی ناشی از مصرف سیگار کرده و شروع به استفاده از سازوکار

هیچ شک و تردیدی در مورد مشکلات ناشی از استفاده از سیگار وجود ندارد. برطبق آمار به دست آمده، مرگ و میر ناشی از استعمال دخانیات ۴ میلیون نفر در سال است.

برطبق گزارش سازمان بهداشت جهانی انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۰ این آمار به ۱۰ میلیون نفر در سال برسد. در آمریکا و انگلستان با جمعیتی به ترتیب معادل ۳۰۰ میلیون و ۶۰ میلیون نفر، آمار مرگ و میر ناشی از استعمال دخانیات به ترتیب ۴۰۰ و ۸۵ هزار نفر در سال است.

با مقایسه نسبت مرگ و میر به جمعیت این دو کشور، ملاحظه می‌شود که اوضاع در انگلستان به مراتب بدتر از آمریکا است در حالی که در جنگ جهانی دوم، آمار کشته‌شدگان انگلیسی ۷۹۰۰۰ تن در یک سال بود. به رغم تمام آمارهای موجود، افراد سیگاری این حق را دارند درآمد خود را هرطور که بخواهند خرج کنند هر چند که عواقب ناخوشایندی در انتظار آنها باشد.

تعداد کمی از دولت‌ها به مخاطرات این موضوع توجه کرده و به رغم تضاد با منافع آنها به آن اهمیت می‌دهند ولی ۲۰ برخی دیگر از دولت‌ها نسبت به آن بی تفاوت‌اند.

صاحبان صنعت تنباکو در ایالات متحده موافقت کردند طی ۲۵ سال برای جبران خسارت ناشی از بیماری‌های ناشی از مصرف سیگار ۲۵۰ میلیارد دلار به ۵۰ ایالت در سراسر این کشور بپردازند.

قانون‌گذاران کم‌کم دریافتند که افزایش قیمت سیگار و توصیه‌های بهداشتی و سلامتی جهت عدم استفاده از سیگار، برای افراد سیگاری بی‌اثر بوده و کاهش مصرف تنباکو را به دنبال نداشته است. البته تنها روند کاهش مصرف سیگار بین ۱۶ الی ۱۸ ساله‌ها کندتر شد و اثر هشدارهای سلامت عمومی و اخطارها روبه افول گذاشت.

دومین معضل اجتماعی مهم این است که افراد سیگاری به ظاهر غیرسیگاری هستند. زیرا می‌توان مضراتی را مشاهده کرد که افراد غیرسیگاری در جوار افراد سیگاری به خصوص در هنگام غروب و تعطیلی اداره‌ها و در رستوران‌ها متحمل می‌شوند.

تحقیقات در سال‌های دهه ۹۰ نشان می‌دهد افراد غیرسیگاری در جوار افراد سیگاری، در معرض خطر بیشتری هستند.

دو پاسخ برای تخمین میزان هزینه‌های اجتماعی این دو معضل وجود دارد:

اول مالیات بر هزینه‌های اجتماعی که توسط افراد سیگاری بر غیرسیگاری‌ها تحمیل می‌شود. اما چگونه می‌توان این هزینه‌ها را اندازه‌گیری کرد؟ می‌توان گفت همان‌طور که می‌توان هزینه تمیز کردن یک رودخانه را بر اثر آلودگی، تخمین زد.

دوم هزینه نارضایتی، آزرده‌گی و یا سوزش ریه یک شخص غیرسیگاری است که در مجاورت با یک فرد سیگاری تحمل می‌کند؟ و حتی هزینه به کام مرگ رفتن یک شخص. چگونه می‌توان هزینه از دست دادن مرگ یک دوست یا خویشاوند را به علت مرگ زود هنگام محاسبه کرد؟ و یا مشکلات دیگری در ارتباط با این قضیه؟

هدف اصلی، محافظت از افراد غیر سیگاری در مقابل ضررهایی است که در مجاورت افراد سیگاری نصیب آنان می‌گردد. دولت‌ها به طور مستمر به طرف متغیرهایی می‌روند که هزینه‌های اجتماعی سیگار را کم کنند.

اداره مبارزه با مواد مخدر اکثر کشورها، سیگار را به

قیمت‌گذاری برای عدم استفاده از سیگار کردند زیرا می‌توان از مصرف سیگار، مالیات سنگینی گرفت بدون این که در کاهش تقاضا و یا در سودآوری صنعت تنباکو تاثیری بگذارد. اقدامات بعدی شناسایی جنبه‌های اقتصادی وسیع‌تر و خط مشی‌های اجتماعی بود.

از منظر دیگر، سیگارکشیدن از دو دیدگاه، جنبه مثبت دارد: یکی این که باعث می‌شود مالیات بیشتری جمع‌آوری کرد و دوم سطح انتظار افراد سیگاری از زندگی کمتر خواهد شد، بنابراین هزینه کمتری به سیستم درمانی تحمیل خواهند کرد که این یک ترکیب مطلوب مالی برای توزیع درآمدهای عمومی است.

اگر یک شهروند بازنشسته در انگلستان ۵ سال زودتر از عمر طبیعی فوت کند حداقل صرفه‌جویی برای دولت ۲۳۰۰۰ پوند است، از طرف دیگر، سیگار کشیدن هزینه‌های اساسی و جدی برای بخش بهداشت عمومی دارد.

طبق تخمین‌های به عمل آمده، ۱/۳ از تمام سرطان‌ها به نوعی مرتبط با سیگارکشیدن است. طبق آمار موسسه قلب انگلستان ۱۸ درصد مرگ و میرها ناشی از عروق کرونر، مربوط به افراد سیگاری است. این موسسه در یکسال ۲ میلیارد پوند برای معالجه سرطان‌های ناشی از مصرف سیگار و بیماری‌های عروق کرونر خرج کرده است. بدتر از این، بی‌تاثیر بودن این معالجات به‌طور گسترده است، به‌طوری که در پنج سال اخیر فقط ۶ درصد سایر بیماران سرطانی توانستند در مقایسه با ۷۸ درصد سرطان سینه، عمر طولانی‌تر داشته باشند.

مصرف سیگار در افراد بیکار نیز یک منبع مهم برای به خطر انداختن سلامتی آنها است. ۳۵ درصد افراد بیکار ۱۶ تا ۵۹ ساله، سیگاری هستند. سیگار مهم‌ترین ارتباط بین بیکاری و اقتصاد بی‌تحرک است.

بی‌تحرکی اقتصاد، افراد سیگاری و مضرات بهداشتی و ایجاد مشکلات سلامتی در هم ادغام شده است. درآمد کارمندی که بر اثر استفاده سیگار بیمار و بیکار شده‌اند، و دیگر تولیدکننده نیستند کاهش می‌یابد و در نتیجه، تولید ناخالص داخلی نیز کاهش پیدا می‌کند.

عمق فاجعه وقتی مشخص می‌شود که در سال ۱۹۹۸

(مالیات بر ارزش افزوده) بالغ بر ۸ میلیارد پوند در سال افزایش پیدا کرده، در حالی که درآمد سالیانه دولت ۴۳۹ میلیارد پوند بوده که نه تنها ناچیز است بلکه قطعی هم نبوده است.

در حال حاضر یک درصد درآمد خانواده‌های انگلیسی در سال صرف خرید محصولات حاصل از تنباکو می‌گردد. بنابراین برای تولیدکنندگان سیگار و دیگر تامین‌کنندگان مواد اولیه آن در غرب مخاطرات اقتصادی ناشی از کاهش مصرف سیگار مسئله چندان پراهمیتی نیست.

ولی هنوز شرکت‌های تولید سیگار و تنباکو، تجاری محسوب می‌شوند به طوری که یک شرکت انگلیسی - آمریکایی تولید تنباکو، افزایش ۹ درصد سود را گزارش کرده است. ولی باید توجه داشت که بازارهای وسیعی برای تنباکو با ظرفیت رشد آتی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد به عنوان نمونه، جمعیت حدود ۲/۴ میلیارد نفر در دو بازار بالقوه فعال هند و چین را می‌توان نام برد. (حدود ۶۰ درصد مردان چینی و ۴۰ درصد مردان هندی سیگاری هستند). اگر چه قانون منع استعمال سیگار در محافل عمومی در هندوستان از سال ۲۰۰۴ وضع شده است ولی در چین چنین قانونی وجود ندارد و تولیدکنندگان غربی، خاطر نشان می‌کنند که مصرف تنباکو در این کشورها روبه‌افزایش می‌باشد.

هم چنین مصرف سیگار در خانم‌ها (۷ درصد در چین و ۳ درصد در هندوستان) می‌تواند تاییدی بر این موضوع باشد. به طور کلی، مصرف تنباکو و مضرات آن در جوامع غربی بیشتر مطرح است تا آسیا و آفریقا.

گویا تمام توصیه‌های بهداشتی و سلامتی به افراد و حفظ منافع مالی حاصل از عدم استعمال سیگار، اثرات فوری بر تجارت تنباکو در جهان نمی‌گذارد. به عبارت دیگر، تولیدکنندگان غربی نگران رکود این صنعت نیستند زیرا این شعارها و تلاش‌ها به سلامت مالی آنها ضرر نمی‌زند.

منبع

Financial Management April 2006

عنوان وسیله توزیع مواد مخدر می‌بیند و به خود، این اجازه را می‌دهد که حق تبلیغات را جهت فروش سیگار محدود کند و در این کشورها، سیگار کشیدن در محافل عمومی ممنوع می‌باشد. به عنوان نمونه، مجلس عوام انگلستان با قانون منع استعمال دخانیات در برخی از اماکن عمومی علاوه بر رستوران‌ها موافقت کرد. و کشورهای دیگری نظیر اسکاتلند، ایرلند، آلمان، نروژ و سوئد نیز از این قانون پیروی کردند.

دولت انگلستان رسماً متعهد شد که نسبت افراد سیگاری را تا سال ۲۰۱۰ در مکان‌های عمومی تا ۲۴ درصد کاهش بدهد (این نسبت در سال ۲۰۰۳ توانست رکورد ۲۳ درصد را به دست آورد).

از آنجایی که گران شدن نرخ سیگار و تبلیغات بر علیه سیگار و مضرات آن تقریباً بی‌اثر شد دولت‌ها تصمیم گرفته‌اند با وضع قوانین علیه سیگار کشیدن در محافل عمومی به این هدف دست پیدا کنند.

نتایج تحقیقات و مطالعات یک مجله پزشکی انگلیسی در استرالیا و کانادا و آلمان و آمریکا نشان می‌دهد که تمام قوانین "منع سیگار کشیدن در مجامع عمومی و ادارات" در آن کشورها توانسته تا ۲۹ درصد مصرف سیگار را کاهش بدهد.

مقاله‌ای در مورد سلامتی در انگلستان پیش‌بینی کرده که به این ترتیب تعداد افراد سیگاری در انگلستان می‌تواند تا ۷۰۰۰۰۰ نفر کاهش یابد.

روشن است که خیلی از دولت‌ها تمایل دارند نیرویی جهت تشویق سیگار نکشیدن اعمال کنند. به طور کلی، اگر خواهان سلامتی به معنی اخص کلمه هستیم، مطلوب این است که دیگر کسی تنباکو مصرف نکند. اگر چه درآمد حاصل از مالیات بر تنباکو از بین خواهد رفت و مصرف‌کنندگان تنباکو درآمد خود را صرف خرید محصولات دیگری خواهند کرد ولی دولت‌ها می‌توانند برخی مالیات‌های جدید پر فروش وضع کنند.

از طرف دیگر، کاهش بیماری در افراد، تولید را افزایش خواهد داد و بنابراین درآمدهای مالیاتی نیز افزایش خواهد یافت. به هر حال به سادگی می‌توان تنباکو را به عنوان یک منبع درآمد مهم مالیاتی دانست.